

تأثیر ارتباطات سیاسی بر تأخیر عادی و غیر عادی گزارش حسابرسی

علی تامرادی

مدرس گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، مرکز رامهرمز، ایران (نویسنده مسئول)
tamoradi001@gmail.com

رضا رستمی نیا

مربی حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شوشتر، شوشتر، ایران
r.rostaminia@iau-shoushtar.ac.ir :

جابر محمد موسائی

استادیار حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد امیدیه، امیدیه، ایران
Jmoosae@gmail.com

چکیده

با توجه به اینکه ارتباطات سیاسی، تصمیمات و نتایج شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد توجه قابل ملاحظه‌ای در ادبیات پژوهشی به خود جلب کرده است. از این رو پژوهش حاضر باهدف بررسی تأثیر ارتباطات سیاسی بر تأخیر عادی و غیر عادی در ارائه گزارش حسابرس در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران صورت گرفته است. به منظور تخمین مدل پژوهش از آزمون F لیمر برای سال‌های ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۵ و بر اساس داده‌های ترکیبی، برای ۷ سال در مجموع ۱۵۰ شرکت (۱۰۵۰ سال- شرکت) آزمون شدند. تجزیه و تحلیل و آزمون فرضیه‌ها توسط نرم‌افزار آماری ایویوز و به کمک رگرسیون روش حداقل مربعات تعمیم یافته با رویکرد داده‌های تلفیقی و در سطوح معناداری ۵ درصد انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ارتباطات سیاسی بر تأخیر عادی و غیر عادی گزارش‌های حسابرسی تأثیر مثبت و معناداری دارد و ارتباطات سیاسی منجر به افزایش تأخیر در ارائه گزارش‌های حسابرسی می‌شود.
واژگان کلیدی: ارتباطات سیاسی، تأخیر عادی گزارش حسابرسی، تأخیر غیر عادی گزارش حسابرسی.

مقدمه

اصطلاح ارتباطات سیاسی به منظور بیان روابط نزدیک دولت و واحدهای تجاری استفاده می‌شود (رضایی و افروزی، ۱۳۹۴). ادبیات پژوهشی نشان می‌دهد شرکت‌ها تمایل زیادی به برقراری روابط با دولت دارند؛ زیرا این روابط منافع زیادی نظیر دسترسی راحت‌تر به تأمین مالی خارجی (کلانزس، فیژن و لایون^۱، ۲۰۰۸؛ کول، سون و ژو^۲، ۲۰۱۵؛ جانسون و میتون^۳، ۲۰۰۳؛ خواجه و میان^۴، ۲۰۰۵)، کاهش مالیات و تعرفه‌ها (ادهیکاری، درشید و ژانگ^۵، ۲۰۰۶؛ فاشیو^۶، ۲۰۱۰) و بهبود فرصت‌های رشد و کاهش احتمال وقوع ورشکستگی (هوستون، جیانگ و ما^۷، ۲۰۱۴) را به دنبال داشته باشند که

¹ Claessens, Feijen & Laeven

² Cull, Sun & Xu

³ Johnson and Mitton

⁴ Khwaja and Mian

⁵ Adhikari, Derashid & Zhang

⁶ Faccio

⁷ Houston, Jiang & Ma

در نهایت باعث ارتقای عملکرد شرکت می‌شوند. در عوض شرکت‌ها ممکن است منافع به دست آمده ناشی از این ارتباطات را با دولت تسهیم نمایند. این نوع بافت اقتصادی در سطح جامعه، "اقتصاد مبتنی بر رابطه" نامیده می‌شود که دارای ویژگی‌ها و مشخصه‌های خاص خود می‌باشد. لذا می‌توان بیان کرد، در نظام‌های اقتصادی مبتنی بر روابط، ارتباطات سیاسی یک منبع مهم ارزش برای شرکت‌های دارای روابط است و شرکت‌های دارای روابط سیاسی راحت‌تر به منابع سرمایه و مزایای دیگر از طریق ارتباطات خود دست می‌یابند. در نقطه مقابل وجود منافع، ممکن است ارتباطات سیاسی منافع برخی سهامداران را قربانی کند؛ زیرا این گونه روابط منجر به هزینه‌های بالای نمایندگی (خان، دیسلنگ، میرت و موتکین^۱، ۲۰۱۶)؛ سرمایه‌گذاری بیش از حد شرکت (سو، فونگ و یو^۲، ۲۰۱۳)، فعالیت‌های رانت‌خواهی (فرای و شلیفر^۳، ۱۹۹۷) و مدیریت سود (شانی، فاشیو و پریسلی^۴، ۲۰۱۱) می‌شود. منتقدان ارتباطات سیاسی معتقدند که شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی، منابع قابل توجهی را فدای منافع اندک می‌کنند، نتیجه این امر منافع و مزایای ناشی از ارتباطات سیاسی از بین می‌رود (فان، وونگ و ژانگ^۵، ۲۰۰۷). در واقع منتقدان منافع ارتباطات سیاسی استدلال می‌کنند که سیاست‌ها و مقررات دولت اغلب محیط‌های نامطمئنی را ایجاد می‌کند و هزینه‌های سیاسی برای سازمان‌های کسب و کاری را افزایش می‌دهند. جانسون و میتون (۲۰۰۳) دریافتند که شرکت‌ها با ارتباطات سیاسی کارآمدی کمتری دارند.

با توجه به مفاهیم ارتباطات سیاسی و گزارش مالی، بررسی پاسخ حسابرسان به ارتباطات سیاسی شرکت‌ها مهم است. این موضوع که حسابرسان زمان انجام کار حسابرسی خود، مزایا و هزینه‌های مرتبط با ارتباطات سیاسی را در نظر می‌گیرند یا خیر؛ برای تعیین اعتبار صورت‌های مالی مهم است. پژوهش‌های پیشین، اثر ارتباطات سیاسی روی انتخاب حسابرسی (گوئدهامی، پیتمن و صفر^۶، ۲۰۱۴) و هزینه‌های حسابرسی (گول^۷، ۲۰۰۶) را بررسی کرده‌اند. یک جنبه مهم دیگر مرتبط با حسابرسی، تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی است.

تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی به صورت دوره‌ای بین پایان سال مالی شرکت و تاریخ گزارش حسابرسی تعریف می‌شود (بامبر، بامبر و اسچودربک^۸، ۱۹۹۳). از آنجایی که گزارش حسابرسی حاوی نظر حسابرس در مورد اعتبار صورت‌های مالی است، سرمایه‌گذار معمولاً تأخیر کم‌تر در ارائه گزارش را ترجیح می‌دهد؛ زیرا هر چه نظر حسابرس را سریع‌تر دریافت کند، سریع‌تر می‌تواند اولویت‌های سرمایه‌گذاری خود را تطبیق دهند. از آنجایی که تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی به دلیل مشخصات شرکت و ویژگی‌های خاص حسابرسی، در بخش‌های مختلف متفاوت است؛ درک عوامل تعیین کننده تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی احتمالاً باعث ایجاد بینش‌هایی در کارایی حسابرسی خواهد شد. پژوهش‌های پیشین عموماً ویژگی‌های حسابرس و حسابرسی و همچنین عوامل خاص شرکت را به عنوان عوامل تعیین کننده تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی بررسی کرده‌اند (اشتون، ویلینگام و ایوت^۹، ۱۹۸۷). با این وجود اثر ارتباطات سیاسی روی تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی هنوز بررسی نشده است.

بنابراین با توجه به اهمیت بالای مطالعه بررسی تأخیر ارائه گزارش حسابرسی در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی، تاکنون این موضوع در ادبیات پژوهشی داخل کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از این رو در این پژوهش به دنبال پاسخ

¹ Khan, Dessalegn, Mihret & Muttakin

² Su, Fung & Yau

³ Frye and Shleifer

⁴ Chaney, Faccio & Parsley

⁵ Fan, Wong & Zhang

⁶ Guedhami, Pittman & Saffar

⁷ Gul

⁸ Bamber, Bamber & Schoderbek

⁹ Ashton, Willingham & Elliott

به این سؤال هستیم که آیا ارتباطات سیاسی بر تأخیر ارائه گزارش حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر دارد یا خیر. به این منظور در ادامه پژوهش، ابتدا مبانی نظری پشتوانه انجام پژوهش از دیدگاه پژوهشگران مختلف ارائه می‌گردد، در ادامه به صورت مختصر پیشینه پژوهش که شامل مروری بر پژوهش‌ها خارجی و داخلی پیرامون موضوع پژوهش است، ارائه می‌گردد. سپس فرضیه پژوهش، روش پژوهش، مدل آزمون فرضیه، تعریف عملیاتی متغیرها و تجربه و تحلیل آماری ارائه شده و در انتها نیز نتایج و پیشنهادهای پژوهش ارائه می‌گردد.

مبانی نظری

بین دولت و شرکت‌ها نوعی تعامل وجود دارد. دولت در مقابل اجرای سیاست‌های خود توسط شرکت‌ها، امتیازهای مختلفی از جمله امتیاز دسترسی به بازار، تخفیف‌های مالیاتی، دسترسی آسان‌تر به اعتبارات، یارانه‌های دولتی، بستن قراردادهای سودآور، کاهش تعرفه گمرکی و غیره در اختیار این شرکت‌ها قرار می‌دهد. از آنجا که این شرکت‌ها به دنبال فرصت‌هایی برای رشد و بهبود وضعیت فعلی خود هستند، از این تعامل دو طرفه استقبال می‌کنند. همچنین می‌توان بیان کرد دولت برقراری ارتباطات با این شرکت‌ها را به‌عنوان ابزاری جهت کنترل آن‌ها در نظر می‌گیرد. (رضایی و افروزی، ۱۳۹۴). شلیفر و ویشنی^۱ (۱۹۹۴) ادعا می‌کنند که دولت تلاش می‌کند که شرکت‌ها را از طریق سوبسید و کمک‌های مالی تحت نفوذ خود در بیاورند درحالی‌که شرکت‌ها در تلاش‌اند که از طریق هزینه‌های سیاسی بر دولت نفوذ کنند (بارتلز و باردی^۲، ۲۰۰۳). از آنجا که شرکت‌ها با ارتباطات سیاسی معمولاً منافع خود را در روابط سیاسی می‌جویند، آن‌ها ممکن است هر عمل عمدی گمراه‌کننده را در گزارش‌های مالی خود به سرمایه‌گذاران را مخفی و یا پنهان کنند (لئوز و اوبرهولزر^۳، ۲۰۰۳) و این عمل سهامداران اقلیت را قربانی می‌کند (لاپورتا، لویز، شلیفر و ویشنی^۴، ۲۰۰۳). آلام و تیچر^۵ (۲۰۱۰) معتقد است شرکت‌ها با ارتباطات سیاسی در بنگلادش به دلیل اینکه مدیران به‌واسطه ارتباطات سیاسی به‌صورت قابل توجه به خاطر سوء استفاده‌ها و درگیر شدن در بی‌نظمی‌های مالی مستعد خطرات برکناری و افزایش هزینه‌های نمایندگی می‌باشند (آلام و تیچر، ۲۰۱۰). مدیران در این شرکت‌ها قادر به شرکت در انحرافات دارایی یا معاملات با اشخاص وابسته مشکوک و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های بی‌بهره و به نفع منافع شخصی هستند. جانسون و میتون (۲۰۰۳) دریافتند که شرکت‌ها با ارتباطات سیاسی از توانمندی و کارایی کمتری برخوردارند و شرکت‌ها با ارتباطات سیاسی ممکن است منابع قابل توجهی را فدای فعالیت‌های سیاسی کنند که در نتیجه این امر منافع و مزایای ناشی از ارتباطات سیاسی از میان می‌رود (فان، وونگ و ژانگ، ۲۰۰۷). فاشیو (۲۰۱۰) نیز ادعا می‌کند که ارتباطات سیاسی می‌تواند به افزایش هزینه‌های نمایندگی منجر شود.

در واقع مدیران شرکت‌ها از ارتباطات سیاسی می‌توانند به‌صورت کارا استفاده نمایند که این امر منجر به بهره‌مندی از فرصت‌ها در محیط کسب و کار به منظور سودآوری بیشتر می‌شود. از سوی دیگر مدیران شرکت‌ها می‌توانند از ارتباطات سیاسی به گونه فرصت طلبانه استفاده نمایند، که در این صورت منافع سهامداران تحت تأثیر قرار خواهد گرفت (مهربان پور و همکاران، ۱۳۹۶). با توجه به اینکه برخی شواهد پژوهشی از این استدلال سازمانی حمایت می‌کند که شرکت‌ها با روابط سیاسی رفتار مشکلات سازمانی شدید هستند از این‌رو به عنوان شرکت‌های پر ریسک در نظر گرفته می‌شوند (بوبرکی، گنیدی، میشر و صفر^۶، ۲۰۱۲، بلیس و گل^۱، ۲۰۱۲). از این‌رو تحت چنین شرایطی، سهامداران چنین شرکت-

¹ Shleifer & Vishny

² Bartels & Brady

³ Leuz & Oberholzer

⁴ La Porta, Lopez, Shleifer & Vishny

⁵ Alam & Teicher

⁶ Oubakri, Guedhami, Mishra & Saffar

هایی تمایل بیشتری به افزایش نظارت خود بر شرکت‌ها دارای ارتباطات سیاسی و تقاضای حسابرسی با کیفیت بالاتر دارند (مینگ تی، گول و فوو^۲، ۲۰۱۷)؛ زیرا کیفیت حسابرسی هزینه‌های نمایندگی را کاهش می‌دهد (خان، دیسلنگ، میرت و موتکین، ۲۰۱۶). در واقع می‌توان یکی از مهمترین دلایل تقاضا برای افزایش کیفیت حسابرسی را افزایش تضاد نمایندگی و همچنین بالا رفتن هزینه‌های نمایندگی در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی دانست.

چگونگی پاسخ حسابرسان به وجود ارتباطات سیاسی شرکت مهم است. شواهد مستقیمی از پاسخ حسابرسان به ارتباطات سیاسی توسط گول (۲۰۰۶) ارائه شده است. گول در نشان داد که هزینه‌های حسابرسی برای شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی در مالزی در مدت بحران مالی آسیا افزایش یافته است. حسابرسان ریسک حسابرسی بالا را برای شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی در مدت بحران درک می‌کنند زیرا این شرکت‌ها در دست‌کاری صورت مالی برای پنهان کردن عملکرد ضعیف مشارکت داشتند. به همین منظور در این مقاله در مورد تأثیر ارتباطات سیاسی روی تأخیر ارائه گزارش حسابرسی بحث می‌کنیم.

نظریه‌های ضد و نقیضی در مورد ارتباط بین ارتباطات سیاسی و تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی وجود دارد. نظریه‌های موافق با کوتاه بودن تأخیر ارائه گزارش حسابرسی ممکن است ریشه در دیدگاه سیگنالینگ^۳ داشته باشند. شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی در مقایسه با شرکت‌های بدون روابط سیاسی، تحت بررسی بسیار دقیق عمومی قرار می‌گیرند و در معرض کنترل‌های گسترده‌تر و نظارت عمومی بیشتر (شانی، فاشیو و پریسلی، ۲۰۱۱) قرار دارند. این نظارت که شامل نظارت در ارائه گزارش مالی توسط حسابرسان خارجی است. در نتیجه حسابرسان تأخیر ارائه گزارش حسابرسی را کاهش می‌دهند. علاوه بر این، گوئدهامی، پیتمن و صفر (۲۰۱۴) نشان می‌دهند که احتمال بیشتری وجود دارد که شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی حسابرسان چهارموسسه حسابرسی بزرگ دنیا را انتخاب کنند. از آنجایی که حسابرسان متخصص صنعت و چهارموسسه حسابرسی بزرگ دنیا تأخیر ارائه گزارش حسابرسی را کاهش می‌دهند رابطه منفی بین ارتباطات سیاسی و تأخیر در گزارش حسابرسی فرض می‌شود. یک گزارش حسابرسی به‌موقع، تضمین معتبری برای ذینفعان خارجی در مورد کیفیت گزارش‌های مالی فراهم می‌کند، گمان می‌رود شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی صورت‌های مالی حسابرسی شده خود را زودتر از همتایان خود (شرکت‌های بدون ارتباطات سیاسی) به عنوان یک مکانیزم سیگنالینگ منتشر می‌کنند. با این وجود دیدگاه‌های مخالف با دیدگاه بالا، تأخیر ارائه گزارش حسابرسی طولانی‌تری را برای شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی فرض می‌کنند؛ تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی احتمالاً ناشی از وجود مشکلات در فرآیند حسابرسی است که افزایش ریسک حسابرسی را به دنبال دارد. در نهایت تأخیر بیشتر در ارائه گزارش حسابرسی، حاکی از انجام کار حسابرسی کامل‌تر است که افزایش احتمال کشف تحریف‌های با اهمیت را به دنبال دارد. شانی، فاشیو و پریسلی (۲۰۱۱) کیفیت گزارش‌های پایین‌تری را برای شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی در مقایسه با همتایان خود مستند می‌کنند. ممکن است شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی دست‌کاری‌های بیشتری در صورت‌های مالی انجام دهند تا فعالیت‌های رانت‌خواهی را پوشش دهند. این کار معمولاً از طریق منابع تونل زنی از سهامداران عمده انجام می‌شود (شانی، فاشیو و پریسلی، ۲۰۱۱). تشخیص و گزارش چنین فعالیت‌های رانت‌خواهی نیاز به تلاش‌های حسابرسی بیشتر دارد و در نتیجه ممکن است تأخیر ارائه گزارش حسابرسی را افزایش دهد.

¹ Bliss and Gul

² Ming Tee, Gul & Foo

³ Signaling perspective

پیشینه پژوهش

حبیب و محمدی^۱ (۲۰۱۸) در پژوهشی به بررسی تأثیر ارتباطات سیاسی بر تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی پرداخت. نتایج پژوهش وی نشان داد در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی تأخیر گزارشگری مالی بیشتر است. مینگ تی، گول و فوو (۲۰۱۷) در پژوهشی به بررسی تأثیر مالکیت نهادی بر رابطه بین ارتباطات سیاسی شرکت و حق الزحمه حسابرسی پرداختند. در این پژوهش از اطلاعات صورت‌های شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار مالزی طی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱ استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که شرکت‌های دارای مالکیت نهادی از حق الزحمه حسابرسی بالاتری برخوردار هستند و این ارتباط مثبت برای شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی محتمل‌تر است.

خان، دیسلنگ، میرت و موتکین (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر رابطه بین ارتباطات سیاسی و هزینه‌های نمایندگی پرداختند. در این پژوهش از اطلاعات صورت‌های مالی ۹۶۸ نمونه (سال - شرکت) شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار بنگلادش طی دوره زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۳ استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی هزینه‌های نمایندگی بالاتری دارند و کیفیت حسابرسی هزینه‌های نمایندگی را کاهش داده و موجب تعدیل رابطه بین ارتباطات سیاسی و هزینه‌های نمایندگی می‌شود.

ادرتی و ویرا^۲ (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی تأثیر مالکیت خانوادگی و ارتباطات سیاسی شرکت بر مدیریت سود پرداختند. در این پژوهش از اطلاعات ۲۶۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار اندونزی طی سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳ استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مالکیت خانوادگی تأثیر منفی و معناداری بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی اختیاری و تأثیر مثبت بر مدیریت سود واقعی دارد. همچنین نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ارتباطات سیاسی شرکت تأثیر معناداری بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی اختیاری و مدیریت سود واقعی ندارد.

لیو، لی و ژانگ^۳ (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی رابطه ارتباطات سیاسی با انتخاب حسابرس و شفافیت صورت‌های مالی پرداختند. در این پژوهش از اطلاعات صورت مالی ۳۶۴۰ نمونه (سال - شرکت) شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار چین استفاده شد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان می‌دهد که شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی ضعیف، بیشتر به انتخاب حسابرسی‌های با کیفیت روی می‌آورند. همچنین نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان می‌دهد که شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی قوی از حسابداری با شفافیت پایین‌تری برخوردار هستند.

براما، مونومیتا، وایتسلا و لود^۴ (۲۰۱۵) در پژوهشی به بررسی مدیریت سود واقعی و مبتنی بر ارقام تعهدی و ارتباطات سیاسی پرداختند. هدف از این پژوهش بررسی ارتباط میان مدیریت سود واقعی و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و ارتباطات سیاسی است. نتایج این پژوهش نشان داده است که ارتباطات سیاسی شرکت‌ها با مدیریت سود واقعی و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی رابطه معناداری دارد، همچنین سطح نظارت عمومی کشورها بر شرکت‌هایی که ارتباطات سیاسی دارند با مدیریت سود واقعی و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی آن‌ها رابطه معناداری دارد.

بیشکوه و گیلانی‌نیا و محمودی^۵ (۲۰۱۳) در پژوهشی به بررسی رابطه کیفیت حسابرسی و هزینه نمایندگی پرداختند. در این پژوهش به بررسی تأثیر اندازه حسابرس و دوره تصدی حسابرس بر هزینه نمایندگی پرداخته شد. نتایج پژوهش نشان

¹ Habib & Mohammadi

² Adiarti & Vera

³ Liu, Li & Zeng

⁴ Braama, Monomita, Weitzela & Lodh

⁵ Beshkoo, Gilaniniay & Mahmoudi

می‌دهد که بین کیفیت حسابرسی و هزینه نمایندگی رابطه معکوس وجود دارد و با افزایش دوره تصدی حسابرس و اندازه حسابرس، هزینه نمایندگی کاهش پیدا می‌کند.

مهربان پور، جندقی قمی و محمدی (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی تاثیر روابط سیاسی شرکت‌ها بر بکارگیری معاملات غیر عادی با اشخاص وابسته پرداختند. نمونه پژوهش شامل ۸۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۵ است. تایج پژوهش نشان داد که روابط سیاسی، بطور معناداری موجب کاهش اعطای اعتبار و فروش غیرعادی به اشخاص وابسته می‌شود. همچنین، بر اساس شواهد تجربی بدست آمده، روابط سیاسی، مدیریت سود از طریق اعطای اعتبار غیرعادی به اشخاص وابسته را بطور معناداری کاهش می‌دهد. با این وجود، روابط سیاسی تأثیر معناداری بر مدیریت سود از طریق فروش غیرعادی به اشخاص وابسته ندارد.

حیدری، قادری و رسولی (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر هزینه‌های نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی با رویکرد الگوسازی معادلات ساختاری پرداختند. برای دستیابی به اهداف پژوهش، ۹۹ شرکت از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۲ برای نمونه آماری انتخاب شدند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که با افزایش کیفیت خدمات حسابرسی، تعارضات نشأت گرفته از تفکیک مالکیت از مدیریت، شامل هزینه‌های نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی، کاهش می‌یابند. همچنین، بر اساس نتیجه دیگر، افزایش هزینه‌های نمایندگی، افزایش سطح عدم تقارن اطلاعاتی را به همراه دارد.

رضایی و افروزی (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی رابطه هزینه بدهی با حاکمیت شرکتی در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی پرداختند. برای آزمون فرضیه‌ها، از نمونه‌ای شامل ۱۴۰ شرکت در ۲۱ صنعت طی دوره زمانی ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۲ استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین هزینه بدهی و ارتباطات سیاسی شرکت‌ها رابطه منفی و معناداری وجود دارد. ضمناً هزینه بدهی در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی تحت تأثیر نقش دوگانه مدیرعامل قرار نگرفت، درحالی که هزینه بدهی در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی تحت تأثیر استقلال اعضای هیئت‌مدیره به صورت منفی و معنادار قرار گرفت.

داودی نصر و حبیبی (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی تأثیر ارتباطات سیاسی بر مدیریت سود واقعی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، ضمن تأکید بر نقش فرضیه پاداش پرداختند. نمونه آماری مشتمل بر ۹۶ شرکت می‌باشد که با روش حذف سیستماتیک انتخاب شده است؛ که در مجموع ۴۸۰ سال شرکت بودند، در این پژوهش برای بررسی فرضیات پژوهش از رگرسیون خطی و همبستگی استفاده شده است. با توجه به نتایج رگرسیون طرح پاداش بر ارتباط بین ارتباطات سیاسی شرکت‌ها و مؤلفه‌های مدیریت سود واقعی تأثیر گذار است.

فرضیه پژوهش

فرضیه در پژوهش حاضر انتظار بر این است ارتباطات سیاسی بر تأخیر عادی در ارائه گزارش حسابرس تأثیر داشته باشد؛ به عبارتی ارتباطات سیاسی به عنوان یک عامل طبیعی و قابل پیش‌بینی ممکن است منجر به پاسخ حسابرسان در زمان رسیدگی به صورت‌های مالی شود. بنابراین فرضیه اول پژوهش بدین صورت است که:

فرضیه یک: "ارتباطات سیاسی تأثیر معناداری بر تأخیر عادی در ارائه گزارش حسابرسی دارد."

همچنین در صورتی که اتفاقات و رویدادهای غیرقابل پیش‌بینی و دور از انتظار که نیازمند به رسیدگی بیشتر و در نتیجه افزایش تأخیر در ارائه گزارش هستند به وقوع بپیوندند و این عوامل به صورت غیرعادی باشند، هرچند که نیازمند رسیدگی و اختصاص زمان بیشتر و در نتیجه آن افزایش در تأخیر در ارائه گزارش می‌گردد. همانطور که حبیب، محمدی

و جیانگ^۱ (۲۰۱۷) ارتباطات سیاسی منجر به معاملات غیر عادی با اشخاص وابسته می‌شود. همچنین خان، دیسلنگ، میرت و موتکین (۲۰۱۶) در پژوهش خود نشان دادند ارتباطات سیاسی منجر به افزایش هزینه‌های نمایندگی به صورت غیر عادی می‌شود. بنابراین فرضیه دوم پژوهش بدین صورت است که:
فرضیه دو: "ارتباطات سیاسی تأثیر معناداری بر تأخیر غیر عادی در ارائه گزارش حسابرسی دارد".

روش پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهش‌های کمی است که از روش علمی ساخت و اثبات تجربی استفاده کرده است، و بر اساس فرضیه و طرح پژوهش از قبل تعیین شده انجام شده است. این دسته پژوهش‌ها زمانی استفاده می‌شود که معیار اندازه‌گیری داده‌ها کمی است، و برای استخراج نتیجه‌ها از فن‌های آماری استفاده می‌شود. به منظور جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات، از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. در خصوص جمع‌آوری اطلاعات مربوط به بخش مبانی نظری و پیشینه پژوهش از کتب، مجلات و سایت‌های تخصصی فارسی و لاتین استفاده شده است. اطلاعات مورد نیاز شرکت‌ها نیز از طریق نرم‌افزار تدبیر پرداز و سایت رسمی سازمان بورس اوراق بهادار گردآوری شده‌اند. در نهایت داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار اکسل آماده و سپس با استفاده از نرم‌افزار *Eviews9* تجزیه و تحلیل نهایی انجام گرفته است.

جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی بازه زمانی ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۵ است. در پژوهش حاضر از نمونه‌گیری آماری استفاده نشده است اما شرکت‌های مورد بررسی بر اساس محدودیت‌های زیر انتخاب شده‌اند:

۱. سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفند ماه.
 ۲. در بازه زمانی مورد بررسی تغییر سال مالی نداشته باشند.
 ۳. به دلیل تفاوت نوع فعالیت شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، هلدینگ، بانک و لیزینگ این شرکت‌ها از نمونه خارج شده‌اند.
 ۴. اطلاعات مالی مورد نیاز به منظور استخراج داده‌ها در دسترس باشد.
- با توجه به شرایط و اعمال محدودیت‌های یاد شده، تعداد ۱۵۰ شرکت در دوره زمانی ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۵ به عنوان نمونه انتخاب شده است.

مدل پژوهش

در این پژوهش برای آزمون فرضیه‌های یک و دو پژوهش به ترتیب از مدل یک و دو استفاده شده است.
مدل (۱)

$$\text{LNARL}_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 \text{PCON}_{it} + \alpha_2 \text{BSIZE}_{it} + \alpha_3 \text{BIND}_{it} + \alpha_4 \text{DA}_{it} + \alpha_5 \text{SIZE}_{it} + \alpha_6 \text{LEV}_{it} + \alpha_7 \text{ROA}_{it} + \mu_{it}$$

مدل (۲)

$$\text{ABLNR}_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 \text{PCON}_{it} + \alpha_2 \text{BSIZE}_{it} + \alpha_3 \text{BIND}_{it} + \alpha_4 \text{DA}_{it} + \alpha_5 \text{SIZE}_{it} + \alpha_6 \text{LEV}_{it} + \alpha_7 \text{ROA}_{it} + \mu_{it}$$

که در مدل‌های فوق:

¹ Habib, Muhammadi & Jiang

$LNARL_{i,t}$: تأخیر عادی در ارائه گزارش حسابرسی شرکت i در سال t
 $ABLNARL_{i,t}$: تأخیر غیر عادی در ارائه گزارش حسابرسی شرکت i در سال t
 $PCON_{i,t}$: ارتباطات سیاسی شرکت i در سال t
 $BSize_{i,t}$: اندازه هیئت مدیره شرکت i در سال t
 $BIND_{i,t}$: استقلال هیئت مدیره شرکت i در سال t
 $DA_{i,t}$: مدیریت سود شرکت i در سال t
 $SIZE_{i,t}$: اندازه شرکت i در سال t
 $LEV_{i,t}$: اهرم مالی شرکت i در سال t
 $ROA_{i,t}$: بازده دارایی‌های شرکت i در سال t

متغیرهای پژوهش

متغیر مستقل

ارتباطات سیاسی ($PCON$): اگر حداقل یکی از سهامداران عمده شرکت (سهامداری که بیش از ۱۰ درصد سهام شرکت را در اختیار دارد) از شخصیت‌های سابق یا حاضر وابسته به دولت یا مجلس باشد این متغیر برابر یک و در غیر این صورت برابر صفر خواهد بود. این متغیر در پژوهش حبیب و همکاران (۲۰۱۸) و نیکومرام و همکاران (۱۳۹۱) نیز با همین تعریف به کار رفته است.

متغیر وابسته

تأخیر عادی گزارش حسابرسی ($LNARL$): برای تعیین تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی از لگاریتم فاصله زمانی بین پایان سال مال تا تاریخ ارائه گزارش حسابرسی استفاده می‌شود.
تأخیر غیر عادی در ارائه گزارش حسابرسی ($ABLNARL$): برای اندازه‌گیری تأخیر غیر عادی در ارائه گزارش حسابرسی مطابق با پژوهش نچل و شارما (۲۰۱۲) و صفری گرایلی (۱۳۹۶) از مقادیر باقیمانده حاصل از برآورد مدل تأخیر گزارش حسابرسی استفاده شده که مدل ۳ به شرح زیر می‌باشد:
مدل (۳)

$$LNARL_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 SIZE_{it} + \alpha_2 LNFE_{it} + \alpha_3 CR_{it} + \alpha_4 ROE_{it} + \alpha_5 LOSS_{it} + \alpha_6 BTM_{it} + \alpha_7 LEV_{it} + \alpha_8 AGE_{it} + \alpha_9 TENURE_{it} + \mu_{it}$$

که در مدل فوق:

$LNARL_{i,t}$: لگاریتم طبیعی تأخیر ارائه گزارش حسابرسی شرکت i در سال t
 $SIZE_{i,t}$: لگاریتم طبیعی دارایی‌های شرکت i در سال t
 $LNFE_{i,t}$: لگاریتم طبیعی حق‌الزحمه حسابرسی شرکت i در سال t
 $CR_{i,t}$: نسبت دارایی‌های جاری به بدهی‌های جاری شرکت i در سال t
 $ROE_{i,t}$: بازده حقوق صاحبان سهام شرکت i در سال t
 $LOSS_{i,t}$: زیان ده بودن شرکت i در سال t
 $BTM_{i,t}$: نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت i در سال t
 $LEV_{i,t}$: نسبت بدهی‌ها به دارایی‌های شرکت i در سال t
 $AGE_{i,t}$: سن شرکت i در سال t

TENURE_{i,t}: دوره تصدی حسابرس شرکت *i* در سال *t*

متغیرهای کنترلی

اندازه هیئت مدیره (*BSIZE*): برای تعیین اندازه هیئت مدیره از مجموع تعداد مدیران (اعم از موظف و غیرموظف) که عضو هیئت مدیره هستند، استفاده می‌شود.

اندازه هیئت مدیره (*BIND*): برای تعیین استقلال هیئت مدیره از نسبت تعداد اعضای غیر موظف هیئت مدیره به تعداد کل اعضای هیئت مدیره استفاده می‌شود.

مدیریت سود (*DA*): برای تعیین مدیریت سود از ارقام تعهدی اختیاری استفاده می‌شود. ارقام تعهدی اختیاری، یکی از پرکاربردترین متغیرهای است که معرف مدیریت سود به شمار می‌رود. تخمین ارقام تعهدی اختیاری در این پژوهش با استفاده از مدل دیچو و دیچو (۲۰۰۲) انجام می‌شود.

اندازه شرکت (*SIZE*): برای تعیین اندازه شرکت از لگاریتم دارایی‌های شرکت در پایان سال مالی مورد نظر استفاده می‌شود.

اهرم مالی (*LEV*): برای تعیین اهرم مالی از نسبت مجموع بدهی‌های شرکت به مجموع دارایی‌های شرکت در پایان سال مالی مورد نظر استفاده می‌شود.

بازده دارایی‌ها (*ROA*): برای تعیین بازده دارایی‌ها از نسبت سود خالص به مجموع دارایی‌ها استفاده می‌شود.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

آمار توصیفی در نگاره ۱ نشان داده شده است. میانگین متغیر وابسته یعنی تأخیر عادی گزارش حسابرسی ۲/۰۱ می‌باشد که نشان می‌دهد بیشتر داده‌ها حول این نقطه تمرکز یافته‌اند. میانه یکی دیگر از شاخص‌های مرکزی می‌باشد که وضعیت جامعه را نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌شود میانه متغیر تأخیر عادی گزارش حسابرسی ۲/۰۳ می‌باشد که نشان می‌دهد که نیمی از داده‌ها کمتر از این مقدار و نیمی دیگر بیشتر از این مقدار هستند. همچنین مهم‌ترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است. در بین متغیرهای پژوهش، مدیریت سود و اندازه شرکت به ترتیب دارای کمترین و بیشترین میزان پراکندگی می‌باشند.

نگاره (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

شرح	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
تأخیر عادی گزارش حسابرسی	۲/۰۱	۲/۰۳	۲/۵۴	۰/۸۵	۰/۲۴۸
تأخیر غیر عادی گزارش حسابرسی	۰/۲۱	۰/۱۴	۰/۱۴	۰/۰۲	۰/۳۹۱
ارتباطات سیاسی	۰/۲۲	۰/۰۰	۱/۰۰	۰/۰۰	۰/۲۸۹
اندازه هیئت مدیره	۵/۱۲	۵/۰۰	۹/۰۰	۵/۰۰	۰/۴۹۳
استقلال هیئت مدیره	۰/۵۰	۰/۴۰	۰/۶۰	۰/۲۰	۰/۵۸۱
مدیریت سود	۰/۰۶	۰/۰۵	۰/۹۱	۰/۰۱	۰/۰۳۹
اندازه شرکت	۵/۹۴	۵/۸۸	۸/۱۷	۴/۰۲	۰/۷۵۳
اهرم مالی	۰/۶۰	۰/۶۴	۰/۸۰	۰/۱۱	۰/۱۶۲
بازده دارایی‌ها	۰/۱۶	۰/۱۰	۱/۳۱	-۰/۲۶	۰/۲۳۷

آزمون چاو

روش برای بررسی نوع آزمون مدل در مقاطع و دوره‌های زمانی مختلف داده‌های ترکیبی، از آزمون F لیمر (آزمون چاو) استفاده شده است. نتایج آزمون چاو در نگاره (۲) ارائه شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، نتایج آزمون چاو فرض صفر این آزمون مبنی بر مشابه بودن عرض از مبدأ در تمام دوره‌ها را، برای مدل‌های پژوهش به‌طور قوی تأیید کرده است (سطح خطا بیشتر از ۵ درصد). لذا، روش تخمین داده‌های تلفیقی برای برآورد مدل‌های آزمون فرضیه‌های پژوهش، گزینه‌ی مناسب‌تری است.

نگاره (۲): نتایج آزمون F لیمر

مدل	آماره‌ی F	سطح معناداری	نتیجه آزمون چاو	نوع آزمون
مدل اول	۱/۲۴	۰/۳۷	H_0 رد نمی‌شود	داده‌های تلفیقی
مدل دوم	۰/۹۴	۰/۷۴	H_0 رد نمی‌شود	داده‌های تلفیقی

آزمون مدل اول

نتایج آزمون مدل یک پژوهش در سطح داده‌های ترکیبی در نگاره ۳ به شرح زیر بیان شده است. همان‌طور که در نگاره ۳ مشاهده می‌شود سطح معناداری آماره فیشر (۸۰/۰۶) در سطح ۵ درصد حاکی از معناداری کلی مدل برآورد شده است. مقدار آماره دوربین واتسون (۱/۹۳) حاکی از عدم وجود مشکل خودهمبستگی سریالی مرتبه اول در اجزای اخلاص مدل برآورد شده است، لذا نتایج مدل برآورد شده کاذب نیست و تخمین مدل قابل اتکاست. علاوه بر این ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۹۶ است. این عدد نشان می‌دهد که تقریباً ۰/۶۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته را می‌توان به متغیرهای مستقل و کنترلی نسبت داد و ۰/۳۱ درصد دیگر ناشی از سایر عوامل بوده که از دسترس محقق خارج می‌باشد. هر چه مقدار این شاخص بزرگ‌تر باشد پراکندگی نقاط حول خط رگرسیون بیشتر خواهد بود.

نگاره (۳): نتایج آزمون مدل اول

شرح	ضریب	T استیودنت	سطح معناداری
جز ثابت معادله	۰/۴۵	۴/۹۳	۰/۰۰
ارتباطات سیاسی	۰/۱۳	۳/۳۸	۰/۰۰
اندازه هیئت مدیره	-۰/۰۸	-۳/۰۲	۰/۰۰
استقلال هیئت مدیره	-۰/۰۹	-۳/۱۲	۰/۰۰
مدیریت سود	۰/۱۲	۳/۳۲	۰/۰۰
اندازه شرکت	۰/۰۷	۲/۳۶	۰/۰۱
اهرم مالی	۰/۱۰	۳/۱۶	۰/۰۰
بازده دارایی‌ها	-۰/۰۸	-۲/۷۴	۰/۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده (R^2)		۰/۶۹	
دوربین واتسون		۱/۹۳	
آماره F ($P.V$)		(۰/۰۰) ۸۰/۰۶	

همچنین با توجه به نتایج نگاره ۳ آماره‌ی t مربوط به متغیر مستقل ارتباطات سیاسی و سطح معناداری آن به ترتیب ۳/۳۸ و ۰/۰۰ بوده و ضریب آن نیز ۰/۱۳ می‌باشد. با توجه به این که سطح خطای در نظر گرفته شده برای این پژوهش

۵ درصد بوده است، بنابراین متغیر ارتباطات سیاسی تأثیر معناداری بر تأخیر عادی در ارائه گزارش حسابرسی داشته و فرضیه‌ی اول پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید قرار می‌گیرد. ضریب متغیر ارتباطات سیاسی مثبت می‌باشد. در نتیجه، ارتباطات سیاسی بر تأخیر عادی در ارائه گزارش حسابرسی تأثیر مثبت معناداری دارد.

آزمون مدل دوم

نتایج آزمون مدل دو پژوهش در سطح داده‌های ترکیبی در نگاره ۴ به شرح زیر بیان شده است. همانطور که در نگاره ۴ مشاهده می‌شود سطح معناداری آماره فیشر (۷۵/۰۱) در سطح ۵ درصد حاکی از معناداری کلی مدل برآورد شده است. مقدار آماره دوربین واتسون (۱/۸۹) حاکی از عدم وجود مشکل خودهمبستگی سریالی مرتبه اول در اجزای اخلاص مدل برآورد شده است، لذا نتایج مدل برآورد شده کاذب نیست و تخمین مدل قابل اتکاست. علاوه بر این ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۶۸ است. این عدد نشان می‌دهد که تقریباً ۰/۶۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته را می‌توان به متغیرهای مستقل و کنترلی نسبت داد و ۰/۳۲ درصد دیگر ناشی از سایر عوامل بوده که از دسترس محقق خارج می‌باشد. هر چه مقدار این شاخص بزرگ‌تر باشد پراکندگی نقاط حول خط رگرسیون بیشتر خواهد بود.

نگاره (۴): نتایج آزمون مدل دوم

شرح	ضریب	T استیودنت	سطح معناداری
جز ثابت معادله	۰/۶۴	۵/۷۱	۰/۰۰
ارتباطات سیاسی	۰/۱۲	۳/۴۱	۰/۰۰
اندازه هیئت مدیره	-۰/۰۶	-۳/۲۰	۰/۰۰
استقلال هیئت مدیره	-۰/۰۸	-۳/۴۲	۰/۰۰
مدیریت سود	۰/۰۹	۳/۲۵	۰/۰۰
اندازه شرکت	۰/۰۵	۲/۰۶	۰/۰۴
اهرم مالی	۰/۱۰	۲/۸۵	۰/۰۰
بازده دارایی‌ها	-۰/۱۲	-۳/۲۱	۰/۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده (R^2)		۰/۶۸	
دوربین واتسون		۱/۸۹	
آماره F ($P.V$)		(۰/۰۰) ۷۰/۰۱	

همچنین با توجه به نتایج نگاره ۴ آماره‌ی t مربوط به متغیر مستقل ارتباطات سیاسی و سطح معناداری آن به ترتیب ۳/۴۱ و ۰/۰۰ بوده و ضریب آن نیز ۰/۱۲ می‌باشد. با توجه به این که سطح خطای در نظر گرفته شده برای این پژوهش ۵ درصد بوده است، بنابراین متغیر ارتباطات سیاسی تأثیر معناداری بر تأخیر غیر عادی در ارائه گزارش حسابرسی داشته و فرضیه‌ی دوم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید قرار می‌گیرد. ضریب متغیر ارتباطات سیاسی مثبت می‌باشد. در نتیجه، ارتباطات سیاسی بر تأخیر غیر عادی در ارائه گزارش حسابرسی تأثیر مثبت معناداری دارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادهای پژوهش

فرضیه اول پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا ارتباطات سیاسی منجر تأخیر عادی در ارائه گزارش حسابرسی می‌شود یا خیر؟ بر اساس آزمون‌های فرضیه‌های پژوهش، همان‌طور که نشان داده شد ارتباطات سیاسی بر تأخیر عادی در ارائه گزارش حسابرسی تأثیر مثبت معناداری دارد. این بدین معناست شرکت‌هایی که دارای ارتباطات

سیاسی هستند، نسبت به شرکت‌های فاقد ارتباطات سیاسی هستند، تأخیر بیشتری در ارائه گزارش‌های حسابرسی وجود دارد. بر اساس مبانی نظری شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی معمولاً به دلیل مشکلات نمایندگی، مدیریت سود، سرمایه‌گذاری بیش از حد دارای ریسک بالاتری هستند و در چنین شرکت‌هایی پاسخ حسابرسان در زمان رسیدگی انجام کار حسابرسی کامل‌تر جهت کاهش ریسک و افزایش احتمال کشف تحریف‌های با اهمیت را به دنبال دارد. نتایج حاصل از این فرضیه مطابق با نتایج پژوهش حبیب و محمدی (۲۰۱۸) می‌باشد نتایج پژوهش وی نشان داد در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی به واسطه مشکلات نمایندگی، تأخیر گزارشگری مالی بیشتر است.

همچنین فرضیه دوم پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا ارتباطات سیاسی منجر تأخیر غیر عادی در ارائه گزارش حسابرسی می‌شود یا خیر؟ بر اساس آزمون‌های فرضیه‌های پژوهش، همان‌طور که نشان داده شد ارتباطات سیاسی بر تأخیر غیر عادی در ارائه گزارش حسابرسی تأثیر مثبت معناداری دارد. این بدین معناست شرکت‌هایی که دارای ارتباطات سیاسی هستند، نسبت به شرکت‌های فاقد ارتباطات سیاسی هستند، تأخیر غیر عادی بیشتری در ارائه گزارش‌های حسابرسی وجود دارد. با توجه به این نتایج و همچنین با توجه به دلایل تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی به شرکت، علی‌الخصوص عواملی که به صورت عادی و متداول در بیشتر حسابرسی‌ها وجود دارد می‌توان گفت که اختصاص زمان بیشتر رسیدگی به صورت‌های مالی شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی مورد رسیدگی و افزایش دقت در بررسی اقلام تشکیل دهنده توسط حسابرس به ویژه حساب‌هایی که دارای ابهام و ریسک بالایی هستند سبب می‌گردد که در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی، تأخیر غیر عادی در ارائه گزارش‌های حسابرسی بیشتر شود.

با توجه به نتایج پژوهش به سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان، تحلیل‌گران و کارگزاران پیشنهاد می‌شود تا در هنگام تصمیم‌گیری به نقش ارتباطات سیاسی بر تأخیر در ارائه گزارش‌های حسابرسی شرکت‌ها توجه ویژه‌ای داشته باشند زیرا ارتباطات سیاسی منجر به افزایش تأخیر عادی و غیر عادی در ارائه گزارش‌های حسابرسی می‌شود. همچنین به سازمان بورس پیشنهاد می‌شود که شرکت‌های بورسی دارای ارتباطات سیاسی را ملزم نمایند تا در یک فاصله زمانی معقول صورت‌های مالی حسابرسی نشده خود را در اختیار حسابرسان قرار دهند تا در ایجاد فاصله زمانی معقول جهت کار حسابرسی، بر روی حسابرسان فشار زمانی ایجاد نشود. علاوه بر آن به سهامداران شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی پیشنهاد می‌شود که هنگام خرید سهام به تفاوت زمان ارائه گزارش با حد متوسط زمان ارائه گزارش‌ها در چند سال قبل توجه نموده و در صورت وجود اختلاف حائز اهمیت صورت‌های مالی ارائه شده را بیشتر بررسی نمایند. همچنین جهت انجام پژوهش‌های آتی توسط پژوهشگران، موضوعات زیر پیشنهاد می‌شود.

۱. پیشنهاد می‌شود تأثیر ارتباطات سیاسی بر تأخیر در ارائه گزارش‌های مالی میان دوره‌ای شرکت‌ها مورد بررسی قرار گیرد.
۲. پیشنهاد می‌شود تأثیر ارتباطات سیاسی بر رابطه معاملات با اشخاص وابسته و تأخیر در ارائه گزارش‌های حسابرسی شرکت‌ها مورد بررسی قرار گیرد.
۳. پیشنهاد می‌شود تأثیر ارتباطات سیاسی بر رابطه کیفیت حسابرسی و تأخیر در ارائه گزارش‌های حسابرسی شرکت‌ها مورد بررسی قرار گیرد.
۴. پیشنهاد می‌شود تأثیر ارتباطات سیاسی بر رابطه بین مدیریت سود و تأخیر در ارائه گزارش‌های حسابرسی شرکت‌ها مورد بررسی قرار گیرد.

منابع

- ✓ مهدوی، غلامحسین، حسینی‌نیا، سمیه، (۱۳۹۴)، بررسی اثربخشی کیفیت حسابرسی بر کاهش تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابداری، شماره ۲۱، صص ۷-۳۱.
- ✓ داودی نصر، مجید، حبیبی، فاطمه، (۱۳۹۴)، تاثیر ارتباطات سیاسی بر مدیریت سود واقعی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، ضمن تأکید بر نقش فرضیه پاداش، http://www.civilica.com/Paper-ICMSSCONF01-ICMSSCONF01_099.html
- ✓ رحمانی، ایرج، (۱۳۹۵)، بررسی رابطه بین ارتباطات سیاسی و نگهداشت وجه نقد در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه مطالعات مدیریت و حسابداری، شماره ۱، صص ۳۹-۵۱.
- ✓ رحمانی، حسام، بخردی‌نسب، وحید، (۱۳۹۶)، بررسی تاثیر تأخیرات عادی و غیر عادی در روند انتشار و ارائه گزارش حسابرس بر استقلال حسابرس، دانش حسابرسی، شماره ۶۷، صص ۲۶۵-۲۸۶.
- ✓ رضایی، فرزین، افروزی، لیلا، (۱۳۹۴)، بررسی رابطه هزینه بدهی با حاکمیت شرکتی در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی، فصلنامه پژوهش حسابداری، شماره ۴، صص ۸۵-۱۱۲.
- ✓ رهنمای رودپشتی، فریدون، محسنی، عبدالرضا، (۱۳۹۷)، ارتباطات سیاسی، سود نقدی و بازده سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، شماره ۳۸، صص ۱۲۹-۱۴۴.
- ✓ زارع پور، سینا، فرهادی اندرابی، سویل، (۱۳۹۷)، بررسی تاثیر ارتباطات سیاسی بر حق الزحمه حسابرسی و انتخاب حسابرس مستقل، چشم انداز حسابداری و مدیریت، شماره ۳، صص ۲۸-۴۲.
- ✓ صفری گرایلی، مهدی، (۱۳۹۶)، تأخیر غیرعادی گزارش حسابرسی و تجدید ارائه صورت‌های مالی آتی: نقش تعدیلی و وابستگی اقتصادی و تخصص صنعت حسابرس، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، شماره ۲۳، صص ۱۵۵-۱۶۸.
- ✓ مهربان پور، محمد، جندقی‌قمی، محمد، محمدی، منصور، (۱۳۹۶)، بررسی اثر روابط سیاسی شرکت‌ها بر بکارگیری معاملات غیر عادی با اشخاص وابسته، فصلنامه حسابداری و ارزشی، شماره ۳، صص ۱۴۷-۱۶۸.
- ✓ نیکو مرام، هاشم، بنی مهد، بهمن، رهنمای رودپشتی، فریدون، کیائی، علی، (۱۳۹۲)، دیدگاه‌های اقتصاد سیاسی و مدیریت سود، حسابداری مدیریت، شماره ۱۸، صص ۳۱-۴۳.
- ✓ Adhikari, A., Derashid, C., & Zhang, H. (2006). Public policy, political connections, and effective tax rates: longitudinal evidence from Malaysia. *Journal of Accounting and Public Policy*, Vol. 25 No. 5, pp. 574-595.
- ✓ Alam, Q., & Teicher, J. (2010). *State of governance in a transitional democracy: the case of Bangladesh*, Working Paper, Monash University, Australia.
- ✓ Ashton, R. H., Willingham, J. J., & Elliott, R. K. (1987). An empirical analysis of audit delay. *Journal of Accounting Research*, Vol. 25 No. 2, pp. 275-292.
- ✓ Bartels, L. M., & Brady, H. E. (2003). Economic behaviour in political context. *American Economic Review*, Vol. 93 No. 2, pp. 156-161.
- ✓ Bamber, E. M., Bamber, L. S., & Schoderbek, M, P. (1993). Audit structure and other determinants of audit report lag: An empirical analysis. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, Vol. 2 No. 1, pp. 1-23.
- ✓ Basuony, M., Ehab K.A., Mostaq, H., & Marie, O. (2016). Board characteristics, ownership structure and audit report lag in the Middle East. *International Journal of Corporate Governance*, Vol. 7 No. 2, pp. 180-205.
- ✓ Bliss, M., & Gul, F. A. (2012). Political connections and cost of debt: Some Malaysian evidence. *Journal of Banking & Finance*, Vol. 36 No. 1, pp. 1520-7.
- ✓ Boubakri, N., Guedhami, O., Mishra, D., & Saffar, W. (2012). Political connections and the cost of equity capital. *Journal of Corporate Finance*, Vol. 18 No. 1, pp. 541-59.
- ✓ Braama G., Monomita, N., Weitzela, U., & Lodh, S. (2015). Accrual-based and real earnings management and political connections. *The International Journal of Accounting*, Vol. 50 No. 1, pp. 111-141.

- ✓ Chaney, P. K., Faccio, M. & Parsley, D. (2011). *The quality of accounting information in politically connected firms*. *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 51 No. 1, pp. 58-76.
- ✓ Claessens, S., Feijen, E. & Laeven, L. (2008). *Political connections and preferential access to finance: the role of campaign contributions*. *Journal of Financial Economics*, Vol. 88 No. 3, pp. 554-580.
- ✓ Cull, R., Li, W., Sun, B. & Xu, L.C. (2015). *Government connections and financial constraints: evidence from a large representative sample of Chinese firms*. *Journal of Corporate Finance*, Vol. 32 No. 1, pp. 271-294
- ✓ Faccio, M. (2010). *Differences between politically-connected and non-connected firms: a cross country analysis*. *Financial Management*, Vol. 39 No. 3, pp. 905-928.
- ✓ Faccio, M., Masulis, R. W., & McConnell, J. J. (2006). *Political connections and corporate bailouts*. *The Journal of Finance*, Vol. 61 No. 6, pp. 2597-2635.
- ✓ Fan, J.P.H., Wong, T.J. & Zhang, T. (2007). *Politically-connected CEOs, corporate governance, and post-IPO performance of China's newly partially-privatized firms*. *Journal of Financial Economics*, Vol. 84 No. 2, pp. 330-357.
- ✓ Frye, T., & Shleifer, A. (1997). *The invisible hand and the grabbing hand*. *The American Economic Review*, Vol. 87 No. 2, pp. 354-358.
- ✓ Guedhami, O., Pittman, J. A. & Saffar, W. (2014). *Auditor choice in politically connected firms*. *Journal of Accounting Research*, Vol. 52 No. 1, pp. 107-162.
- ✓ Gul, F. A. (2006). *Auditors' Response to Political Connections and Cronyism in Malaysia*. *Journal of Accounting Research*, Vol. 44 No. 5, pp. 931-963.
- ✓ Habib, A., & Muhammadi, A. H. (2018). *Political connections and audit report lag: Indonesian evidence*. *International Journal of Accounting & Information Management*, Vol. 26 No. 1, pp.59-80.
- ✓ Habib, A., Muhammadi, A., & Jiang, H. (2017). *Political Connections and Related Party Transactions: Evidence from Indonesia*. *The International Journal of Accounting*, Vol. 52 No. 1, pp. 45-63.
- ✓ Houston, J. F., Jiang, L., Lin, C., & Ma, Y. (2014). *Political connections and the cost of bank loans*. *Journal of Accounting Research*, Vol. 52 No. 1, pp. 193-243.
- ✓ Johnson, S. & Mitton, T. (2003). *Cronyism and capital controls: evidence from Malaysia*. *Journal of Financial Economics*, Vol. 67 No. 2, pp. 351-382.
- ✓ Khan, A, Dessalegn, G, Mihret, M & Muttakin, B. (2016). *Corporate political connections, agency costs and audit quality*. *International Journal of Accounting & Information Management*, Vol. 24 No. 4, pp. 357 – 374
- ✓ Khwaja, A.I., & Mian, A. (2005). *Do lenders favour politically-connected firms? Rent provision in an emerging financial market*. *Quarterly Journal of Economics*, Vol. 120 No. 4, pp. 1371-1411.
- ✓ La Porta, R., Lopez, S. F., Shleifer, A. & Vishny, R. (2000). *Investor protection and corporate governance*. *Journal of Financial Economics*, Vol. 58 No. 2, pp. 3-27.
- ✓ Leuz, C. & Oberholzer, G. F. (2003). *Corporate transparency and political connections*. Mimeo, Wharton School, Philadelphia, PA.
- ✓ Liu, Y., Li, X., Zeng, H. (2016). *Political connections, auditor choice and corporate accounting transparency: evidence from private sector firms in China*. *Accounting and Finance*, Vol. 57 No. 4, pp. 1-28.
- ✓ Maaloul, A., Chakroun, R., & Yahyaoui, S. (2018). *The effect of political connections on companies' performance and value: Evidence from Tunisian companies after the revolution*, *Journal of Accounting in Emerging Economies*, Vol. 8 No. 2, pp. 185-204.
- ✓ Ming Tee, C., Gul, F., & Foo, Y. (2017). *Institutional Monitoring, Political Connections and Audit Fees: Evidence from Malaysian Firms*. *International Journal of Auditing*, Vol. 21 No. 2, pp. 164-176.
- ✓ Shleifer, A., & Vishny, R. (1994). *Politicians and firms*. *Quarterly Journal of Economics*, Vol. 109 No. 4, pp. 995-1025.
- ✓ Silva, J., Xavier, W., Gambirage, C., & Camilo, S. (2018). *The Influence of Political Connections on the Cost of Capital and the Performance of Companies Listed on B3, BBR*. *Brazilian Business Review*, Vol. 15 No. 4, pp. 317-330.

- ✓ Su, Z. Q., Fung, H. g. & Yau, J. (2013). *Political connections and corporate overinvestment: Evidence from China*. *International Journal of Accounting and Information Management*, Vol. 21 No. 4, pp. 285-296.

